

بازخوانی تغییر سطح تعاملات اجتماعی در معنابخشی به «خانه» در سینمای ایران مطالعه موردی: آثار داریوش مهرجویی در دهه‌های ۸۰-۶۰

پارنا کاظمیان*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

صفحه ۲۴۹ تا ۲۶۸

چکیده

از نظر روان‌شناسی انسان موجودی اجتماعی است و با ساختن خانه، هستی خود را عینیت می‌بخشد؛ لذا خانه انسان علاوه بر ابعاد کالبدی و اقلیمی آن، تحت‌تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی قرار دارد. هدف این پژوهش بازخوانی تأثیر تغییر سطح تعاملات اجتماعی از دهه ۶۰ تا دهه ۸۰ خورشیدی در معنابخشی به «خانه» و ایجاد حس تعلق به آن در آثار داریوش مهرجویی، از کارگردان مؤلف است که به بازنمایی زندگی زیسته مردم جامعه می‌پردازد. برای نیل به این منظور روایت سه اثر «اجاره‌نشین‌ها»، «مهمان مامان» و «طهران تهران» که دارای قهرمانان جمعی با نگرش‌هایی متفاوت به «خانه» هستند، با استفاده از روش نشانه‌شناسی رولان بارت مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و پنج مفهوم رمزگان هرمنوتیکی، معنایی، نمادین، کنشی، ارجاعی در نشانه‌شناسی فوق در سکانس‌های منتخبی از فیلم‌های مذکور باتکیه بر استراتژی تأیید سه تن از همکاران پژوهشی حوزه جامعه‌شناسی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد روابط همسایگی مهم‌ترین عامل ایجاد روح مکان در آثار مورد مطالعه است. ساختار سنتی محله‌ها در مقایسه با ساختارهای مدرن شهری به دلیل نظام فرهنگی - فضایی خود قابلیت‌های بیشتری را برای ظهور و بروز روابط انسانی - عاطفی در میان همسایگان فراهم می‌کند و در سیر خطی آثار داریوش مهرجویی، هر چه جامعه به سمت مدرن‌تر شدن با رویکرد تولید مسکن به‌جای خانه می‌رود که باعث کم‌رنگ‌شدن روابط اجتماعی میان شهروندان می‌شود بر لزوم بازاندیشی در معماری و شهرسازی معاصر جهت فراهم کردن امکان تعامل سازنده انسان با مکان زندگی و توسعه پایدار شهری از منظر اجتماعی - فرهنگی تأکید می‌شود.

واژگان کلیدی: خانه، تعاملات اجتماعی، روابط همسایگی، روح مکان، داریوش مهرجویی

۱. مقدمه

در مراجعه به "خانه" در فرهنگ لغات و ریشه کلمه با سه ویژگی محافظت، مؤانست، صلح و دوستی روبرو می‌شویم که ما را به تاریخ فرهنگی آن چه از نظر معنا و چه از نظر تجسم کالبدی به تدریج نزدیک می‌کند (پیراوی و نک، ۱۳۹۸: ۱۴۱). در مطالعات انسان‌شناسانه نیز عموماً فهم معنی از خلال رویکردهای پدیدارشناسانه صورت گرفته است که بر وحدت زندگی و مکان تأکید دارد و بیش از هر چیز احساسات و تجربیات اصیل افراد را در ارتباط با خانه افشا می‌کنند (ارمغان، ۱۳۹۴: ۵۲). به عقیده راپاپورت خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد نهادی است با عملکرد چندبعدی (براتی، ۱۳۸۲: ۲۵). بنابراین معنای خانه، مسئله‌ای فرهنگی و متغیر است و با فاصله گرفتن از خانه‌های ساده باستانی و نفوذ پیچیدگی فزاینده جهان جدید به فضای درون خانه‌های این عصر، این فضا بیش از پیش از کارکرد پناهگاهی خود که «مأمن جسم و روح» بود فاصله گرفته و به «محافظ هویت» تبدیل شده است (دوباتن، ۱۳۸۸: ۱۰). معنا و مفهوم خانه در ایران در سال‌های اخیر تغییر یافته و با رشد شتابان شهرها، افزایش تصاعدی جمعیت شهری و در پی آن ساخت‌وساز مسکن با مفهوم داشتن سقفی بالای سر و چند متر زمین در زیر پا در قالب مجتمع‌های مسکونی، به‌علاوه نگاه کمی‌گرایانه به عناصر کالبدی، پیامدهایی نظیر بیگانگی انسان با مکان و کاهش حس مکان را در پی داشته است (نوروزیان ملکی و امید، ۱۳۹۹: ۸۷) که ریشه در بی‌توجهی به کیفیت‌های وجودی چون تصویرپذیری، خاطره‌انگیزی و سکونت‌پذیری دارد. آنچه امروز نیازمندیم شناخت ثروت فرهنگی و اجتماعی به ارث رسیده از گذشتگان و تلاش برای بازخوانی توأمان ویژگی‌های کالبدی و معنایی معماری خانه‌های ایرانی به‌عنوان الگویی پاسخگو به نیازهای جسمی و روانی انسان است. زیرا محیط حاوی اطلاعات و نشانه‌های مشترک اجتماعی است که انسان‌ها با درک و رمزگشایی آن‌ها با محیط خود به تعامل می‌رسند (ربیع‌نژاد و ارغان، ۱۳۹۶: ۸). در واقع حس تعلق به محیط برآیند عواملی از تعاملات انسانی - اجتماعی است که در محیط صورت می‌پذیرد. به‌علاوه، تصویر و سینما نیز حاوی نظامی از نشانه‌ها هستند که فهم واقعیات اجتماعی را ممکن می‌سازد (بیاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۵). شاید بتوان

مهم‌ترین جزء بصری فیلم را در فضا سازی آن یافت که به طور آشکار آن را به معماری پیوند می‌زند (محرابی، مختاباد امرایی و قدوسی فر، ۱۴۰۲: ۳۱)؛ لذا تشریح بازنمایی سینمایی، بازخوانی و تحلیل ابعاد مهمی از روایت سینمایی و نیز رابطه میان فیلم و جامعه را میسر می‌سازد. داریوش مهرجویی^۱ از جمله کارگردانان مؤلف و اجتماعی‌ساز است که به بازنمایی مسائل اجتماعی روز، تصاویر و افکاری که نمایانگر ارزش‌های فرهنگی و هنجارهای جامعه ایرانی است می‌پردازد (سرخوش و مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵۷-۱۳۸). او در روایت‌های خود همواره به دنبال چیزی بیشتر از نمایش «خانه» به‌عنوان سرپناه فیزیکی بوده است و معمولاً تلاش کرده تا حسی را که در روابط انسان‌ها در داستان فیلم اتفاق می‌افتد به بیننده منتقل کند؛ لذا مسئله اصلی این پژوهش این است که تعاملات اجتماعی در روابط انسان‌ها چه نقشی در تعریف «خانه» در آثار مهرجویی دارد؟ و در سه فیلم «چاره‌نشین‌ها»^۲، «مهمان مامان»^۳ و «طهران تهران»^۴ که قهرمانان قصه به‌صورت یک گروه جمعی به نمایش درآمده‌اند، مؤلفه‌های اجتماعی - فرهنگی تأثیرگذار بر معنای «خانه» تبیین و راهکارهای پیشنهادی او برای حل کاهش سطح تعاملات اجتماعی به‌عنوان یکی از معضلات شهرسازی معاصر در دهه ۸۰-۶۰ مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

باتوجه به گستردگی مقوله تعاملات اجتماعی و تأثیر آن بر زندگی افراد، مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر آن از زوایای مختلفی توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است. سرکرده‌ای و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «تأثیر طراحی کالبدی شهرک مسکونی بر ارتقاء رفتار اجتماعی شهروندان» ضمن بررسی تأثیر محیط کالبدی بر رفتار انسان‌ها، به تبیین نقش آن در فضای شهری و ارائه‌ی راهکارهایی در جهت ارتقاء کیفیت زندگی در مسکن مهر مهرگان مشهد پرداخته‌اند. جوکار و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «مطالعه عوامل مؤثر بر پیامدهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی در ایران (با تأکید بر کلانشهر تهران)» علاوه بر تأکید بر لزوم پذیرش آپارتمان‌نشینی به‌عنوان سبک زندگی غالب در کلانشهر تهران، پیامدهای فرهنگی آن شامل کاهش کارکردهای نهاد خانواده، افزایش روابط اجتماعی خارج از عرف، تنوع قومیتی و فرهنگی، کاهش روابط همسایگی و غیره را به

این پژوهش که از نوع کیفی است به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. هدف در پژوهش‌های کیفی توصیف، رمزگشایی و یافتن معنای پدیده‌ها و عمق دادن و تفسیر آن‌هاست، نه فراوانی آن‌ها. از منظر بینش کیفی شناخت واقعیت جز با درک آن به‌مثابه یک کل واحد و به‌هم‌پیوسته ممکن نمی‌شود. بر اساس نظریه گلدمن^۶ نیز هر پژوهشی که در زمینه انسان و زندگی اجتماعی او صورت می‌گیرد باید پیرو نگاهی کل‌نگر و یکتا انگارانه باشد (سرخوش و مرادی، ۱۳۸۸). همچنین فهم معانی مستتر در پیام‌ها تنها با گذر از سطح و با رسوخ به معانی پنهانی که در پس اجزای متن نهفته‌اند میسر خواهد شد (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۱۴)؛ لذا در این پژوهش در ابتدا کلیت روایت‌ها از منظر جایگاه تعاملات اجتماعی مؤثر بر مؤلفه‌های معناساز برای «خانه» در زندگی شخصیت‌های روایت‌ها استفاده و استخراج «کشف و توصیف» شده است. سپس صحنه‌ای که ماحصل فعالیت جمعی ساکنان است و نقش محوری در گره‌گشایی از مشکلات مطرح شده در بطن روایت دارد، به‌عنوان واحد تحلیل انتخاب شده و در هر سه فیلم، به‌عنوان جزئی از کل مورد تحلیل و بررسی استقرایی که از جزء به کل و از داده‌های تجربی به سمت نظری حرکت می‌کند (همان، ۱۳۹۱: ۱۱۸) قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش آثار داریوش مهرجویی است که از میان آنها سه اثر «اجاره‌نشین‌ها»، «مهمان مامان» و «طهران تهران» که قهرمان قصه در آن‌ها به‌صورت یک گروه جمعی با نگرش‌های متفاوت به معنای خانه هستند، به‌صورت هدفمند به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده‌اند. ملاک دیگر انتخاب این آثار، نقش محوری «خانه» در بیان و پیشبرد روایت به‌عنوان ظرف فضایی وقوع رویدادهاست. در واقع مکان رویدادها یعنی خانه در شکل‌گیری محتوا و ساختار آن‌ها نقش کلیدی داشته و باعث زایش نشانه - معناهای مختلفی می‌شود. در گام اول با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای در مورد معناسازی خانه در حوزه پدیدارشناسی و ابزار مشاهده به جمع‌آوری مفاهیم مربوط به تعریف خانه در فیلم‌های مذکور پرداخته شده است. در گام بعدی برای تحلیل محتوای آثار از تحلیل محتوای کیفی به روش نشانه‌شناسی رولان بارت، به جهت قابلیت نشانه‌شناسی لایه‌ای آن در تحلیل روایت که مدنظر این پژوهش است استفاده

روش پیمایشی ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که نهادها و دستگاه‌های متولی امر برای اجرای طرح‌های توسعه انبوه مسکن باید قبل از اجراء، از مطالعه کارشناسی و جامعه‌شناختی فرهنگی و مدیریت شهری مطلوب‌تر بهره بیشتری بگیرند. قنبران و جعفری (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی عوامل مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی» به شناسایی عناصر مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در محله درکه تهران پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که ساختار اجتماعی-سیاسی شهر، ساختار کالبدی-فضایی و حالات روحی-روانی استفاده‌کنندگان از فضا در این مقوله بسیار تأثیر گذارند. پژوهش‌هایی نیز درباره آثار داریوش مهرجویی انجام شده است که از جمله آن‌ها کتاب زراعتی (۱۳۸۹) با عنوان «داریوش مهرجویی، نقد آثار: از الماس ۳۳ تا هامون» است. همچنین قره شیخلو و وفایی (۱۳۸۵) در کتاب «داریوش مهرجویی: نقد آثار از بانو تا مهمان مامان» به جمع‌آوری مقالات، نقدها و مصاحبه‌هایی در مورد آثار مذکور پرداخته‌اند. از میان پژوهش‌هایی هم که با محوریت موضوع «خانه» در آثار وی انجام شده‌اند می‌توان به مقاله بیات و شیخ مهدی (۱۳۹۵) با عنوان «جستاری بر هستی‌شناسی مفهوم نمادین خانه در فیلم‌های داریوش مهرجویی» اشاره کرد که به تحلیل صحنه‌آرایی فیلم‌ها بر اساس هستی‌شناسی و تحلیل شخصیت کاراکترهای اصلی فیلم‌ها پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که خانه در آثار مهرجویی نمادی از وضعیت زندگی جاری و حاضر شخصیت‌هاست. گوهری پور (۲۰۱۹)، نیز در مقاله «روایت‌های یک فضای گم شده: تجزیه و تحلیل نشانه‌شناختی از حیاط مرکزی در ایران» به تحلیل نقش حیاط مرکزی در شکل‌گیری سبک زندگی خانواده‌های ایرانی در چند مورد از فیلم‌های مهرجویی پرداخته است. نظر به اینکه فلسفه فکری مهرجویی تحت تأثیر داریوش شایگان^۵ بوده و پرسش از «هویت» و «چالش سنت و مدرنیته» در آثار او وجود دارد (میراحسان، ۱۳۸۳)، نوآوری این پژوهش را می‌توان مطالعه جایگاه «تعاملات اجتماعی» در سیر خطی آثار مهرجویی برای نمایش معنای «خانه» در جریان تحولات فرهنگی-اجتماعی زندگی شهری معاصر دانست.

۳. روش تحقیق

محدود بود. اما پس از مرگش، نظریه‌های وی به‌عنوان بنیانی برای رویکردی کلی به زبان و معنا به کار رفت و مدلی از بازنمایی را به دست داد که برای طیف وسیعی از اعمال فرهنگی به کار رفت. به گفته آسا برگر، "از آنجاکه نشانه‌شناسی با هر آنچه که بتوان نشانه تلقی کرد، سروکار دارد، و باتوجه‌به این که تقریباً همه چیز را می‌توان نشانه تلقی کرد، نشانه‌شناسی به‌عنوان نوعی دانش فراگیر جلوه‌گری می‌کند که از آن در نقد هنرهای زیبا، ادبیات، فیلم و داستان و همچنین در تفسیر معماری، در مطالعه مد، در تحلیل حالات صورت استفاده شده است (عبداللهیان، حسنی، ۱۳۸۸، به نقل از آسا برگر، ۱۳۸۵: ۹۱). یکی از چهره‌های شاخص نشانه‌شناختی که تأثیر بسزایی در پیشرفت نشانه‌شناختی داشته رولان بارت (۱۹۸۰-۱۹۱۵) نویسنده، منتقد و نظریه‌پرداز فرانسوی است که به نظر او هر داستان از بیان حادثه‌ای آغاز می‌شود و هر راوی ادراک خود را از داستان بیان می‌کند و طرح روایت را به‌گونه‌ای می‌سازد که مخاطب بتواند آن را درک کند (پاشایی و کجانی، ۱۳۹۸: ۸۴). روش بارت در تحلیل نشانه‌شناختی مبتنی بر تمایز میان دلالت صریح و دلالت ضمنی است (عبداللهیان، حسنی، ۱۳۸۸: ۱۳۴). آلن (Allen, 2007: 94-95) معتقد است که بارت بر خلاف استروس^۸، فوکو^۹ و لاکان^{۱۰} مبنای ساختارگرایی مدرن را در سخن ادبی بنا نهاد و نظریه پنج‌گانه او را می‌توان نوعی نشانه‌شناسی لایه‌ای دانست. نشانه‌شناسی لایه‌ای به‌عنوان زیر شاخه‌ای از نظام نشانه‌شناسی، کارکرد ارتباطی و دلالتی نشانه‌ها را از منظر نظام‌های متکثر و چندبعدی بررسی می‌نماید. در چارچوب این دانش، متن حاصل هم زیستی رمزگان‌های اصلی و فرعی بسیاری است که در تعامل و تقابل با یکدیگر لایه‌های متعددی را برای فهم متن روایت تشکیل می‌دهند به‌گونه‌ای که شاید برخی در مقایسه با دیگر لایه‌ها اصلی‌تر به نظر برسند، اما در دلالت متن، همه می‌توانند به یک اندازه اثرگذار باشند (شکیبایی فر، ۱۳۹۷: به نقل از سجودی، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۴۶). در روش نشانه‌شناسی بارت که برآمده از تحلیل متن فرانسوی سارازین اثر انوره دوبالزاک است، تحلیل‌ها قابلیت تعمیم به سایر آثار هنری را دارند و بر مبنای پنج مفهوم رمزگانی صورت می‌گیرند که عبارت‌اند از:

شده و جایگاه تعاملات اجتماعی در معنابخشی به «خانه» توصیف گردیده است و معانی، نشانه‌ها و مصادیق موجود برای پنج رمزگان هرمنوتیک، ضمنی، نمادین، کنشی و ارجاعی در نشانه‌شناسی فوق در سکانس‌های منتخب تحلیل و تبیین شده است. در پژوهش‌های کیفی مفهوم «قابلیت اعتماد» به‌عنوان جایگزینی برای روایی و پایایی در پژوهش‌ها مطرح است که شامل چهارعنصر است: قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اتکا و قابلیت تأیید (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۸۷: ۱۴۷). یکی از استراتژی‌های تأیید دقت علمی با استفاده از مفهوم قابلیت اعتماد «تأیید همکاران پژوهشی» است (همان، به نقل از لینکلن، ۱۹۸۹). در این پژوهش نیز تحلیل‌ها از نظر سه نفر از اساتید رشته جامعه‌شناسی مورد بازبینی و تأیید قرار گرفته است.

۴. چارچوب نظری

۴-۱. بازنمایی سینمایی

امروزه مفهوم بازنمایی به‌شدت وامدار آثار استوارت هال^۲ است که به ایده‌ای بنیادین در مطالعات فرهنگی و رسانه‌ای مبدل شده است. از دیدگاه او بازنمایی استفاده از زبان برای تولید نکته‌ای معنادار درباره جهان است. معنا در ذات وجود ندارد بلکه ساخته می‌شود و نتیجه و محصول یک‌رویه دلالتی است (بشیر و اسکندری، ۱۳۹۲ به نقل از مهدی‌زاده ۱۳۸۷). بازنمایی به سبب ماهیت و کارکردی که در مباحث علوم‌انسانی دارد در موقعیت‌های گوناگون برای تشریح و تبیین موضوعات و پدیده‌های مختلف که در سطح جوامع مختلف جریان دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در فرایند بازنمایی یکی از عوامل مهم برای انتقال مفاهیم و کاربرد دانش، روایت است. روایت، عمل زبانی است که باعث انتقال معنا می‌شود و روایت‌شناسی بررسی این انتقال است. فرهنگ آکسفورد (۲۰۱۶) روایت‌شناسی را علمی می‌داند که بررسی فنون و ساختارهای روایی در یک روایت می‌پردازد که به‌مثابه گزارشی از وقایع واقعی یا خیالی مرتبط به هم هستند و در قالب هنری ارائه شده است. براین اساس، روایت‌ها را می‌توان بر این مبنا که رمزها، نشانه‌ها و قراردادهای فرهنگ را بازنمایی می‌کنند مورد تحلیل قرارداد. در اینجا لازم است به‌اختصار به رویکردهای اصلی در نشانه‌شناسی روایت بپردازیم. موضوع در ابتدا به سوسور برمی‌گردد. نقش اصلی سوسور، مطالعه زبان‌شناسی در معنایی

نظر آن‌ها دیدگاه پدیدارشناسانه در واقع قضاوت حسی، ملاک ارزیابی فضا و واکنش نسبت به آن بوده و تصمیم به ادامه حضور در فضا و استفاده از آن و همچنین تمایل به مراجعه مجدد یا خودداری از آن را رقم می‌زند (فلاح، کمالی و شهیدی، ۱۳۹۶). بنابراین تجربه مکان اصلی‌ترین رکن ادراک معنای یک مکان است و معنا در یک مکان ارتباط مستقیم با شیوه تجربه مکان توسط فرد دارد (شرقی، مهدی‌نژاد و ندومی، ۱۳۹۸: ۱۶۰). در عصر حاضر، یکی از نظرگاه‌های مهم ارائه شده در زمینه مطالعات مربوط به مکان و فضا متعلق به کریستن نوربرگ شولتز استاد و نظریه‌پرداز حوزه پدیدارشناسی معماری است. به اعتقاد او بشر زمانی پایگاه وجودی خود را کسب می‌کند که مکان او واجد یک کاراکتر باشد. از این کاراکتر به روح مکان یاد شده است (پرتوی، ۱۳۹۴: ۱۰۹). به‌طورکلی این مفهوم به ویژگی ممتاز، جوهری و حالات ویژه یک مکان دلالت دارد که مورد توجه سوژه‌ها قرار می‌گیرد و احساس حضور در فضایی منحصربفرد با جریان دریافت معنایی متمایزی را پدید می‌آورد. باتوجه‌به همین دریافت حسی - ادراکی از پدیده هاست که نشانه‌شناسی صورت‌گرا جای خود را به‌نوعی نشانه - معناشناسی وجودگرا و هستی‌مدار می‌دهد که دیگر نشانه را امری مکانیکی و تابع رابطه‌ای متقابل بین دال و مدلول نمی‌داند. بر این اساس دیگر نشانه، نه‌آنگونه که هست، بلکه‌آنگونه که ما آن را دریافت می‌کنیم و باتوجه‌به موقعیت انسان در بافت پدیداری، معنا می‌یابد (شعیری، ۱۳۸۶). از دیدگاه یوهانی پالاسما پدیدار شدن خانه به‌گذر زمان و آهنگ زندگی ساکنانش مرتبط است که به دلیل ادراک فضا توسط تمام حواس و توانایی‌های وجودی انسان باعث ایجاد احساس تعلق و احساس هویت وی می‌گردد (Pallasmaa, 2005)؛ لذا معنای «خانه» در گذر از سال‌های عمر بر اساس چیزهایی که تجربه می‌کند برای انسان تفاوت می‌کند. کیفیاتی که می‌توانند یک فضا را از منظر افراد به‌خانه تبدیل کنند، حاصل یک شبکه معنایی شخصی و پیچیده از مؤلفه‌هایی چون شادی، تعلق، مسئولیت، امکان بیان خود، بقا و دوام، حریم خصوصی، چشم‌انداز زمانی، دانش، مقصدی برای برگشتن، خویشاوندی، انس و پذیرایی، محیط احساسی، ساختار فیزیکی، خدمات، سبک معمارانه، محیط کاری و... هستند (ارمغان، ۱۳۹۴: ۵۲ به نقل از

رمزگان هرمنوتیکی: رمز داستان‌گویی که به‌واسطه آن، روایت سؤالاتی را پیش می‌کشد و تعلیق و رمزوارگی می‌آفریند و سرانجام در مسیر خود گره‌گشایی می‌کند. به باور بارت هر متن از یک معمای اصلی که اساس و شالوده داستان و تعدادی سؤال فرعی که تحت‌الشعاع سؤال اصلی قرار می‌گیرند، تشکیل می‌شود (شکیبایی فر، ۱۳۹۷ به نقل از بارت، ۱۹۷۴: ۱۷).

رمزگان معنایی و دال‌ها (ضمنی): معنای ضمنی است که از اشارات ظریف معنایی متن مانند جملات، واژگان و تعبیر تشکیل می‌شود. باتکیه بر این رمزگان شیوه‌ای در اختیار مخاطب نهاده می‌شود که خصوصیت افراد یا کنش‌ها را بر اساس نظامی از نمادها و نشانه‌ها استنتاج کند (مکاریک، ۱۳۹۳: ۱۳۹).

رمزگان نمادین: ترکیب‌ها و تقابل‌هایی است که به‌طور منظم و به‌اشکال مختلف تکرار می‌شوند. می‌توان گفت رمزگان یادشده، علاوه بر آن که موجب بازگشت‌پذیری و چندظرفیتی بودن متن می‌شود، امکان تفسیر رموز غیرقابل‌پیش‌بینی و تأمل در لایه‌های معنایی روایت را هم فراهم می‌آورد (شکیبایی فر، ۱۳۹۷ به نقل از بارت، ۱۹۷۴: ۱۹).

رمزگان کنشی: کنش‌ها و رویدادهایی است که زنجیره رویدادها را در برمی‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر زنجیره‌ای از کنش یا رویدادها که با تغییر رفتار شخصیت‌های داستان در ارتباط است، کل فرایند روایت را به‌پیش می‌برد و کنش شخصیت‌ها را به‌صورت توالی پیرفت‌های روایی سازمان می‌دهد (مکاریک، ۱۳۹۳: ۲۴۱).

رمزگان ارجاعی (فرهنگی): به بازگشایی دلالت‌های فرهنگی می‌پردازد و با بهره‌گیری از علوم متعددی همچون فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ (گذشته) و غیره نوعی شناخت کلی از فضای ایدئولوژیکی داستان به دست می‌دهد (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۴۱-۲۴۰).

۲-۴. معنای خانه

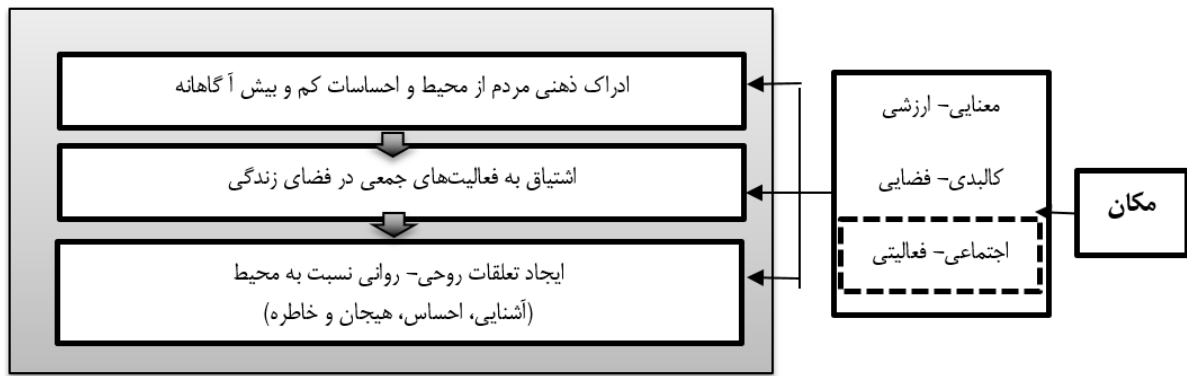
خانه و خانواده اولین فضاهای ارتباط روانی مستقیم انسان با دنیای پیرامون است. نظریه‌پردازان معماری بر این باورند که مطالعه جهان از زاویه پدیدارشناسی قابلیت تدارک بستری برای تأویلی بدیع از وضعیت و موقعیت معماری معاصر و کهن و نیز جهان پیرامون را در خود نهفته دارد و آن را شیوه قابل‌اعتماد و عمیقی جهت درک معماری می‌دانند (شیرازی، ۱۳۹۲: ۹۳). از

نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی شناخته شده برای طرفین است؛ بنابراین روابط بدون معنا در زمره این تعریف قرار نمی‌گیرند. تعامل اجتماعی و برقراری ارتباط، می‌تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که خود مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت‌های متناسب و در نتیجه نقش‌پذیری مردم در فضا و عضویت آن‌ها در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی است (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۲). اشتیاق به فعالیت‌های جمعی در فضای زندگی در سطوح مختلف خانواده و جمع با سازمان فضایی کالبدی رابطه دارد (تقی‌پور و سلطان‌زاده، ۱۳۹۵: ۸۳). در واقع آنچه معماران می‌سازند محیطی برای رفتار انسان و آنچه شخص استفاده می‌کند محیط مؤثر بر اوست (لنگ، ۱۳۸۳: ۱۸۳). انسان پس از مدتی حضور یا زندگی در فضایی خاص، به لحاظ روانی و عاطفی با آن ارتباط برقرار می‌کند. یکی شدن انسان و فضا یا این‌همانی آن‌ها موجب ظهور مکان می‌شود (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴: ۲۶۴). حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به‌طوری که فهم و احساس فرد در زمینه معنایی پیوند خورده و یکپارچه می‌شود (مطلق خوشکلام، ۱۳۹۹). معناهایی که به‌واسطه مکان گرد هم آورده می‌شوند، روح مکان را می‌سازند و این معانی به‌واسطه صفات هر مکان در ذهن انسان تداعی (ارزشیابی) می‌شوند (پرتوی، ۱۳۸۷: ۷۲). فرایندی که در ایجاد تعلقات روحی - روانی نسبت به محیط ایجاد می‌گردد، از جنس آشنایی، احساس، هیجان و خاطره است (شکل ۱). تحقیقات نشان می‌دهد که معیارهای خاطرات جمعی که نقش مؤثری در ایجاد تعلق به مکان دارد به دودسته اصلی شکل‌گیری رویدادها و تعاملات اجتماعی و ثبت و انتقال خاطره تفکیک می‌شود (ریبئی نژاد و ارغان، ۱۳۹۶: ۹).

سیکسمیت، ۱۹۸۶). مطالعه ای بر روی مردم هلند انجام شده که اتمسفر^{۱۱} دلپذیر خانه را با ترکیبی از عناصر معمارانه شامل چیدمان و ارتباط میان فضاها، اندازه و نیز شکل آن‌ها به اضافه عوامل اجتماعی روان شناختی از جمله زمان دلپذیری، برقراری ارتباط با یکدیگر، آرامش بعد از اتمام کار، آزادی برای انجام کاری که می‌خواهی، در ارتباط قرار می‌دهد (Pennartz, 2006). در فرهنگ ایرانی نیز «خانه» محلی برای ظهور و شکل‌گیری خانواده و مکان آسایش و آرامش انسان است. ضرب‌المثل معروف «هیچ جایی مثل خانه آدم نمی‌شود» به این نکته اشاره دارد. خانه در زبان فارسی با ماندن، بقاء، مانستن، جای باش و بودن برابر است (براتی، ۱۳۸۸: ۵۲)؛ لذا در فرهنگ ایرانی سکونت کردن عین بودن است. و بر اساس دانش پدیدارشناسی، فضایی که امکان سکونت‌گزیدن را فراهم نماید، توانایی ایجاد خاطره و دلستگی به مکان را نیز دارد (صمدیاری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱)؛ لذا کاراکتر خانه‌های ایرانی که عموماً درون‌گرا و مرکز‌گرا هستند و مرکز آن‌ها حیاط (طبیعت) محسوب می‌شود سرشار از آرامش و زندگی است. و به دلیل وجود فضاهایی با کیفیت‌های متفاوت، و نمود خاص نور و رنگ در اتاق‌ها سرشار از خیال‌انگیزی و خاطره‌انگیزی است (حمزه نژاد و دشتی، ۱۳۹۵). در واقع سازندگان خانه‌های سنتی ایرانی از طریق رمز و تمثیل و با شناخت هویت الهی و روحانی مستتر در انسان، درصدد تفکربرانگیزی بیشتر از طبیعت با مرکزگرایی حیاط بوده‌اند، تا ساکنین از طریق ادراک نشانه‌هایی از جمله تقارن، نظم، تناسبات، رنگ، هندسه و نور به ساحت‌های دیگری از هستی پی ببرند (کشفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۲).

۳-۴ نقش تعاملات اجتماعی در حس مکان

به لحاظ روان‌شناسی انسان نیازمند برقراری روابط مختلف با هم‌نوعانش است. ارتباطات اجتماعی دایره معنایی بسیار گسترده‌ای دارد. تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو



شکل ۱. رابطه تعاملات اجتماعی و حس مکان

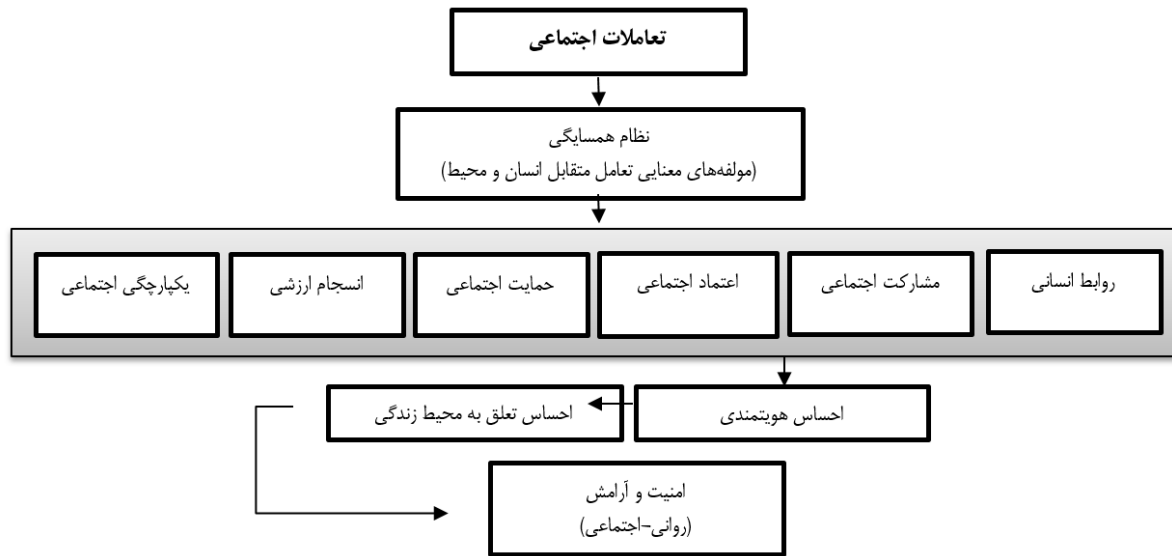
۴-۴. نقش تعاملات اجتماعی در هویت فردی و اجتماعی

چنانچه در بخش قبل اشاره شد، سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیط مفروض است. محیط تنها در صورتی به محیط اجتماعی با معنایی مبدل می‌شود که امکاناتی غنی در تعیین هویت به ما ارزانی دارد (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۹: ۵۳). از دیدگاه کوین لینچ^{۱۲} یک سکونتگاه خوب در هماهنگی با ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی جامعه شکل خواهد گرفت؛ چراکه انسان‌ها در مکان‌های معنی‌دار می‌توانند به احساس آرامش و تعلق خاطر نسبت به سکونتگاه خود دست یابند و نیز روابط اجتماعی خود را گسترش داده و به حس ارزشمندی برسند (نوابخش، ۱۳۹۲: ۱۲)؛ لذا خانه انسان جایی است که با او هویت می‌گیرد و به او هویت می‌بخشد. نظام همسایگی مهم‌ترین مؤلفه تعاملات انسانی در عرصه‌های مختلف اجتماعی است. معمولاً به‌نظام همسایه نیز اجتماع می‌گویند. مفهوم اجتماع همیشه با تعلق خاطر همراه است؛ تعلق خاطر به یکدیگر و به محله فیزیکی (خطیبی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). فرهنگ شهروندی نیز در قالب نشانه‌ها، معانی و هنجارهایی که بیانگر سبک زندگی و شکل‌دهنده تعاملات انسانی در بافت نوین زندگی جمعی و روی هم‌رفته، قابلیت‌های اکتسابی است، تعریف می‌شود (نیازی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲). به عبارت دیگر کالبد معماری شهر و زیست اجتماعی که درون آن روی می‌دهد نمی‌تواند از هم جدا باشند و معیارهای عینی چون کیفیت عملکردی و فعالیت‌پذیری، نفوذپذیری و دسترسی، ارتباط مستقیمی با تعاملات اجتماعی دارند، به‌شدت بر آن تأثیرگذارند (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲). محله به‌عنوان اجتماع ساکن و

متمركز (همسایگی) در یک منطقه رکنی بین خانواده و شهر است و فضایی مصنوع، حاصل از تعامل بین انسان و محیط است (ریبئی نژاد و ارغان، ۱۳۹۶)؛ لذا همسایگی نوعی سرمایه اجتماعی است و می‌توان این‌گونه بیان کرد که ابعاد معنایی سرمایه اجتماعی به‌طور کلی می‌تواند شامل شبکه تعاملات و روابط، انسجام رابطه‌ای و مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی، انسجام ارزشی و یکپارچگی اجتماعی باشد (شکل ۲) که یکی از مهم‌ترین اثرات و پیامدهای آن امنیت محله‌ای است (رستگار خالد و همکاران، ۱۳۹۳) و اعتماد اجتماعی را که عنصر پیش‌قراردادی و مقدمه حیات اجتماعی است، پدید می‌آورد (ادریسی و رحمانی خلیلی و حسینی امین، ۱۳۹۱، به نقل از پاگدان، ۱۹۸۸: ۱۳۹). این مؤلفه‌ها بسترساز احساس هویت‌مندی و احساس تعلق در ساکنین (اهالی) محله است. چنانچه در گذشته محلات شهری، مکانی برای گردآمدن افراد با ویژگی‌های قومی، نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی مشترک بوده است. به دنبال تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته شده‌ای می‌بود که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردید. همین عامل در آن محدوده سبب ایجاد فضاهایی با نشانه‌ها، نمادها، کارکردها و عملکردهای خاص می‌شد که بافت آن را نیز از محدوده‌های اطراف متمایز می‌گرداند. وجود یک شیوه زندگی خاص در میان افراد ساکن در یک محله معمولاً به ایجاد اهداف و علایق مشترک در میان ساکنان یک محله می‌انجامد (مصطفی‌پور، حقیقتیان و محمدی، ۱۳۹۷). به‌علاوه، نظر به مسئول دانستن انسان‌ها در سرنوشت یکدیگر در تعلیم اسلامی به‌عنوان

دیگری نسبت به هم ندارند. این سیر نادرست و حرکت‌های معیوب، آن‌چنان وضعی را به وجود آورده که در بافت‌های جدید شهری، ویژگی سنتی محله از بین رفته و معانی فرهنگی و سرمایه‌های اجتماعی چون روابط همسایگی، آرامش و غیره همگی رنگ‌باخته و حتی در بعضی از موارد اسم‌های جدید مانند فاز، بلوک و... جای اسم محله را به خود گرفته است (همان: ۱۰).

فرهنگ حاکم بر جامعه، همسایگان نیاز به همبستگی بیشتر را امری الزامی در اعتقادات خود می‌دانستند. اما در چند دهه اخیر، با تغییرات شگرف در شیوه زندگی و ایجاد نامکان‌هایی که تاریخ، هویت و خاطره در آن شکل نمی‌گیرد، تغییرات اساسی در ساختار معنایی محلات ایجاد گردیده است. امروزه شاهد به وجود آمدن محله‌هایی هستیم که دارای نشانه‌های کالبدی مشابه و بعضاً یکسان بوده و غیر از تفاوت در اسمشان هیچ ویژگی متمایز



شکل ۲. تعاملات اجتماعی و هویت فردی - اجتماعی

نمایش می‌گذارند که نگرشی متفاوت نسبت به مفهوم خانه و سکونت دارند. در واقع در این فیلم، «خانه» نماد اجتماع، تضاد طبقاتی و چگونگی تعاملات اجتماعی جامعه ایرانی است. یکی از همسایگان خواهان تغییرات در واحد خود است و بدون توجه به اصول سازه‌ای اقدام به تخریب دیوارها می‌کند. دیگری در پشت‌بام ساختمان برای خود باغچه‌ای ساخته است که باعث نفوذ رطوبت به ساختمان و ایجاد خرابی‌های متعدد شده است. به‌طور کلی اجاره‌نشین‌ها فیلمی است که حرف‌هایش را از زبان مکان بیان می‌کند. در این فیلم، تمامی همسایگان در پی تملک ساختمان برای دستیابی به آرزوی خود یعنی خانه‌دار شدن هستند و با توجه به شرایط کالبدی نامناسب خانه، چند بار برای تعمیر ساختمان در جهت تملک آن بر اساس قوانین آن دوره کارگرانی را آورده و اقدام به تعمیر و مرمت آن می‌کنند؛ اما هر بار به علت اختلافات میانشان (مستأجران و عباس آقا) کاری از پیش

۵. بحث و تحلیل یافته‌ها

۵-۱. اجاره‌نشین‌ها

فیلم اجاره‌نشین‌ها داستان چند خانوار است که در حاشیه شهر تهران مستأجر ملکی هستند. این ملک توسط نماینده مالک یعنی «عباس آقا» اداره می‌شود و به دلیل فوت مالک مجهول‌الوارث اعلام می‌شود. «عباس آقا» به دنبال نقشه‌ای است که بتواند دیگر مستأجران را بیرون کند و صاحب‌خانه شود. از طرفی از نظر کالبدی خانه اوضاع خوبی ندارد و هر روز وضع نامطلوب‌تری پیدا می‌کند.

فیلم با نمایشی از ساختمان‌های بلند و مدرن شروع می‌شود و به خانه‌ای در منطقه‌ای شبیه به بیابان در حاشیه شهر ختم می‌شود که باغی سرسبز در تضاد با محیط پیرامون بر بام آن قرار دارد. ساکنین خانه، نشانه طبقات جامعه‌اند. از سنتی تا غرب‌زده، بی‌سواد و تحصیل‌کرده، همه‌وهمه جزئی از کل را به

پس از نصیحت مادر به عباس آقا مبنی بر لزوم رعایت حقوق همسایگان و کارگرانی که به علت عدم دریافت دستمزدشان به خاطر اختلافات همسایگان در پرداخت آن مجبور به ترک خانه شده بودند، عباس آقا و سایر همسایگان در پی آن‌ها رفته و آنان را برای صرف شام به خانه دعوت می‌کنند. مادر که متوجه کمبود وسایل پذیرایی در خانه‌اش است از همسایگان کمک می‌طلبد:

- مادر: خانم توسلی قربونت برم الهی. ظرف چی داری؟ من ظرفام کمه.
- خانم توسلی: نه من ظرف دارم مادر. میدم جواد دودست شش تایی براتون بشقاب، پیش دستی، کارد و چنگال، قاشق همه چی میدم بیاره.
- آقای مهندس در حال برداشتن میوه از یخچال: همین مادر جون! این که کمه!
- خانم توسلی: من میوه دارم ها. نارنگی دارم. سیب دارم. پرتقال هم دارم. مادر: قربونت الهی برم. پس بیار.
- آقای قندی: منم خریزه دارم. یه چندتا هم هندونه میارم.
- مادر: بیار مادر.

به این ترتیب تمامی همسایگان در تهیه و طبخ غذا، ظرف و ظروف و گستردن سفره رنگین برای کارگران جهت دلجویی از آن‌ها با یکدیگر همدل می‌شوند و با گفت‌وگو به نتیجه‌ای مشترک برای حل مشکلات ساختمان به‌ویژه تعمیر آن می‌رسند که یکی از نقاط کانونی فیلم است (جدول ۱).

در نهایت مادر عباس آقا که نماد یک زن سنتی ایرانی است با ترتیب مراسم شام و دعوت همسایگان و نیز اعضای خانواده به آشتی و اتحاد، زمینه همکاری کلیه همسایگان را در تعمیر ساختمان که دلالتی بر لزوم صلح برای رسیدن به هدف مشترک است، فراهم می‌کند؛ لذا پیش از توافق بر سر دوباره ساختن خانه، همه چیز به‌هم‌ریخته و روبه‌زوال است و ساکنان مدام در حال بحث و دعوا هستند؛ اما زمانی که تصمیم می‌گیرند خانه را بسازند، همه مسائل حل و فصل می‌شوند و در واقع، ساکنان خانه به‌نوعی با هم باشیدن و هویت جمعی دست می‌یابند و همه صاحب‌خانه می‌شوند (بیات و شیخ مهدی، ۱۳۹۵: ۴۹). در سکانس پایانی فیلم حضور مأموران شهرداری و توضیح طرح توسعه آتی منطقه و نیز قوانین مربوط به تعمیر و تملک ساختمان توسط مستأجران، بارقه‌های امید را در میان ساکنان جهت دوباره ساختن خانه ایجاد می‌کند. امید به آینده در زندگی افراد به‌ویژه حاشیه‌نشین‌ها که بیشتر در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند، باعث افزایش احساس تعلق به مکان و میزان مشارکت آنها در ساختن خانه و نیز جامعه خود می‌شود؛ بنابراین در تحلیل نشانه - معناشناسی این فیلم در بستری از تقابل سنت و مدرنیته، تأثیر مثبت روابط همسایگی مصالحت‌آمیز به‌عنوان معنایی از اتحاد و هویت مشترک در میان ساکنان خانه‌های آپارتمانی به‌عنوان گونه جدید مسکن روبه‌افزایش در آن دوره (دهه ۶۰) نمایش داده شده است.

صحنه منتخب: صحنه تدارک شام با همکاری تمامی همسایگان / زمان: شب / مکان: داخل خانه

جدول ۱. تحلیل روایت صحنه حاصل از فعالیت جمعی ساکنان خانه بر اساس نشانه‌شناسی رولان بارت

رمزگان هرمنوتیک	رمزگان ضمنی	رمزگان نمادین	رمزگان کنشی	رمزگان ارجاعی
آیا در مجتمع‌های مسکونی (گونه مدرن مسکن در ایران) که اقامت با تعریف متفاوت از خانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند امکان تعامل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز وجود دارد؟	احترام به حقوق همدیگر، صداقت، حفظ ارزش‌های اصیل فرهنگی گره‌گشای اختلافات و تعارضات اجتماعی در روابط همسایگی است.	صلح/دعوا آشتی و همکاری همسایگان در تدارک شام زمینه‌ساز شادی و خاطراتی شیرین است.	وجود هدف و آرمان مشترک در میان همسایگان عامل اتحاد و یک‌رنگی در میان آن‌هاست.	حس بودن (باشیدن) در پی احساس مالکیت در خانه‌های آپارتمانی باعث احراز هویت مشترک و احساس مسئولیت نسبت به مکان زندگی می‌شود.

۵-۲. مهمان مامان

در این فیلم داستان اصلی، در یک خانه سنتی با حیاط مرکزی روایت می‌شود و به بخشی از زندگی خانواده‌هایی تهی دست اعم از زوج جوان کم‌درآمد، زن جنگ‌زده تنها و دانشجو پرداخته

جدی از سوی مخاطب احساس می‌شود که البته وجود حیاط مرکزی به‌عنوان نشانه‌ای از ساختار کالبدی خانه سنتی با تأکید ضمنی بر کارکرد حوض آب و ایوان، نقش بسیار مهمی در تبیین جنبه‌های مختلف زندگی ساکنین از جمله تعاملات اجتماعی - فرهنگی و روح بخشی به «خانه» و در مقیاس بزرگ‌تر «محل» ایفا می‌کند.

صحنه منتخب: صحنه تدارک شام با همکاری همسایگان / زمان: شب / مکان: حیاط خانه

پس از پایان یافتن دعوی زن و شوهر همسایه، عفت خانم که در حال دلداری دادن به زن همسایه است شروع به صحبت از مشکلات خود می‌کند:

- عفت خانم: نمیدونم شکم اینا رو چجوری سیر کنم؟
 - صدیقه خانم: عفت خانم جون نگران نباش. من یه چیزهایی تو خونه دارم. میتونم درست کنم برات بیارم...
 - خانم اخوان (یکی از همسایگان) در حال ورود به حیاط با کیسه برنج: چرا نشستتی عزا گرفتی؟! برنجش اعلاست. پسر از شمال آورده... یه چراغ خوراک‌پزی هم بیار همین‌جا می‌پزیم. اون‌ور دود و دم راه نیندازیم بهتره.
 - صدیقه خانم در حال بازگشت از اتاقشان: یه خورده گوشت و لپه داشتیم، می‌خواستیم فردا قیمه درست کنم...
- به این ترتیب با همیاری همسایگان به‌عنوان معنایی از احساس همدردی و هویت مشترک، در عرض چند دقیقه مقدار زیادی مواد غذایی برای طبخ آماده می‌شود و همسایگان به کمک هم شروع به تهیه شام در حیاط خانه می‌کنند. در نهایت سفره‌ای بسیار رنگین بر روی ایوان مطابق با آرزوی عفت خانم گسترده می‌شود و اعضای خانواده، همسایگان و مهمانان خاطره‌ای شیرین را در کنار هم تجربه می‌کنند (جدول ۲).

جدول ۲. تحلیل روایت صحنه حاصل از فعالیت جمعی ساکنان خانه بر اساس نشانه‌شناسی رولان بارت

صحنه منتخب: صحنه تدارک شام با همکاری تمامی همسایگان				
رمزگان هرمنوتیک	رمزگان ضمنی	رمزگان نمادین	رمزگان کنشی	رمزگان ارجاعی
آیا ساختار کالبدی خانه‌های سنتی و محله‌های پایین‌شهر که امکانات کمتری نسبت به محلات جدید دارند، نقشی در سطوح مختلف تعاملات اجتماعی ایفا می‌کند؟	صمیمیت، همدردی و مشارکت همسایگان در حل مشکلات همدیگر از مؤلفه‌های معناساز برای «خانه» است.	کمک و همدردی/عدم کمک و همدردی کمک و همکاری میان همسایگان در مراسمات مختلف از جمله تهیه و تدارک شام برای مهمانان	از خود دانستن همسایه نشانه احساس هویت مشترک در حریم محله است.	مشارکت در حل مشکلات همدیگر از مؤلفه‌های معنایی فرهنگی - اجتماعی محله‌های قدیمی است که ساختارهای جدیدی شهری به‌ویژه بلندمرتبه‌سازی مسکن

می‌شود که ناگزیر، در کنار هم در یک خانه زندگی می‌کنند. روایت این فیلم از جایی آغاز می‌شود که مادر یکی از خانواده‌های ساکن در این خانه «عفت خانم» از آمدن خواهرزاده‌اش به همراه عروس جوانش مطلع می‌شود. اما او که چیزی برای پذیرایی در خانه ندارد از این موضوع ناراحت می‌شود و هم‌خانه‌ها و یکی از همسایگان محل به کمک او می‌شتابند تا او به آرزوی خود برسد و سفره‌ای بزرگ پهن کند و تمامی اهالی خانه را در کنار سفره بنشانند.

تیتراژ ابتدایی فیلم ساختمان‌های مدرن و مجلل تهران بزرگ را به‌عنوان نمادی از رفاه در بستر مدرنیته از مقابل چشمان مخاطب عبور می‌دهد و کم‌کم تصاویر جنوب شهر و خانه‌های قدیمی و فرسوده محله‌های تهران به‌عنوان نمادی از فقر نمایان می‌شوند. با شروع فیلم و ورود به داخل خانه تضاد بین این دو قشر بیشتر برایمان آشکار می‌شود. یکی از شاخصه‌های زندگی در چنین محله‌هایی این است که برخلاف برج نشینان ابتدای فیلم، سطح و پهناوری روابطشان با هم‌نوعان خود کم است؛ اما همین روابط محدود عمق زیادی دارد. در این فیلم پس از اینکه عفت خانم با اصرارهای همسرش بر نگاه‌داشتن مهمانان برای صرف شام دچار تشویش می‌شود، هر کدام از همسایگان با اندک دارایی خود سعی می‌کنند، گره‌ای از مشکل او را برای پذیرایی از مهمانانش باز کنند. در نتیجه می‌توان گفت در این فیلم در کنار نمایش تمام مشکلاتی که زندگی جمعی در حریم کوچک یک‌خانه دارد (دعوی زن و شوهر، اعتیاد، نداری و غیره)، بیش از همه کارگردان با ارائه مصادیقی از مفاهیم «صمیمیت، همدردی و مشارکت در حل مشکلات همدیگر» به‌عنوان مؤلفه‌های معناساز برای زندگی در یک‌خانه تأکید می‌کند. معانی و مفاهیمی که به‌صورت نمایشی قابل‌تعریف نیست، اما به‌صورت

بستر ساز خاطراتی شیرین برای
آن‌هاست.

باعث کمرنگ شدن آن شده
است.

۵-۳. طهران، تهران

«طهران، تهران» فیلمی دو اپیزودی است. در اپیزود اول با نام «طهران: روزهای آشنایی» که توسط داریوش مهرجویی کارگردانی شده و موضوع این پژوهش است پس از آنکه سقف خانه قدیمی «آقا نجیب» که یک خانواده کم‌درآمد در جنوب شهر تهران هستند، در آستانه نروزی فرومی‌ریزد، همسایگان بلافاصله در محل حاضر شده و سعی در کمک به آن‌ها جهت سپری کردن تعطیلات دارند و هر یک خواستار پذیرش آنها به‌عنوان مهمان در خانه خود هستند. همین‌طور شب‌هنگام که این خانواده به دلیل ترجیح بر عدم بی‌صاحب گذاشتن خانه با زدن چادر در حیاط موقتاً در آنجا اسکان می‌یابند، یکی از همسایگان با تهیه شام به منزل آنها می‌روند تا آنها را تنها نگذارند. صبح روز بعد که اعضای خانواده مذکور تصمیم می‌گیرند با استفاده از تور تهران‌گردی به گردش و تفریح بپردازند به‌طور تصادفی با جمعی از افراد کهن‌سال که علاقه‌مند به تهران قدیم هستند، هم‌سفر می‌شوند. این افراد از پس فضای مدرن و روبه‌تحول تهران به یک‌خانه سنتی به‌عنوان پانسیون پناه برده‌اند. البته آن‌ها در مواجهه با مدرنیته نیز به‌خوبی تطبیق‌پذیر هستند، و تنها از کمرنگ شدن روابط انسانی به دلیل تغییر ساختار کالبدی - زیستی شهر انتقاد می‌کنند. در این فیلم پس از مروری بر تاریخ و بناهای تاریخی شهر تهران، روابط بین انسان‌ها با طنزهای گاه‌به‌گاه به‌نقد کشیده می‌شود، برج نشینی به سبک امروزی (در دهه ۸۰) که همسایگان از حال یکدیگر خبر ندارند، مذمت و صفا و صمیمیت خانه‌های ایرانی یادآوری و بر حفظ این معانی به‌عنوان ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی در میان شهروندان تأکید می‌شود. گویی فیلم‌ساز می‌خواهد در اوج فلاکت و در بدترین اتفاقی که ممکن است در بهترین لحظه سال برای اهالی یک‌خانه بیفتد، شهر زیبا و آدم‌های آن را معرفی کند (اجلالی و گوهریان، ۱۳۹۴: ۲۷۲) و وجود اعتماد در جامعه را به‌عنوان عامل افزایش تعاملات بین مردم و حیات اجتماعی شاد نمایش دهد (خطیبی، ۱۳۹۶)؛ لذا در پایان فیلم، همسفران خانواده «آقا نجیب» در خانه نیمه‌ویران آن‌ها حضور می‌یابند و اقدام به تعمیر و مرمت آن می‌کنند. به همین دلیل در این فیلم

«صمیمیت و احساس مسئولیت نسبت به هم» در روابط همسایگی و نیز در میان شهروندان به‌عنوان مؤلفه‌های معنابخش در ایجاد هویت و حس تعلق به خانه، محله و شهر مورد تأکید قرار گرفته است. زیرا زمانی که افراد به لحاظ روانی نسبت به زندگی و آینده خود در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، معنوی و اقتصادی نگرش مثبت داشته باشند، احساس امنیت بیشتری را در ارتباط با محیط اجتماعی تجربه خواهند کرد؛ لذا می‌توان چنین استنباط کرد که در این فیلم احساس رضایت از زندگی و مسئولیت‌پذیری شهروندی معانی مورد تأکید کارگردان برای نمایش افزایش احساس امنیت و آرامش اجتماعی در جامعه و مرمت خانه قدیمی با حفظ نشانه‌ها و عناصر کالبدی آن نمادی از ارضای احساس نیاز هویت‌مندی و آرامش روانی فردی است.

صحنه منتخب: مرمت خانه نیمه‌ویران با همکاری گروه سالمندان (هم‌سفران) / زمان: روز / مکان: حیاط خانه در سکناس پایانی فیلم، هم‌سفران خانواده «آقا نجیب» با حضور در خانه نیمه‌ویران او و برشمردن ویژگی‌های عینی و ذهنی خانه‌های سنتی ایرانی با ارجاع به خاطرات و تجربیات گذشته خود در تأمین آسایش و آرامش ساکنین اقدام به تعمیر و مرمت آن با حفظ عناصر کالبدی نمادین آن از جمله حوض فیروزه‌ای و کاشت گل‌وگیاه در حیاط می‌کنند تا او را از تخریب کامل خانه جهت بلندمرتبه‌سازی منصرف کنند:

- آقا نجیب: آخه این املاکی سر کوچه می‌گفت که باید همه‌اش رو بکوبیم.
- آقای شکبیا: چی رو بکوبیم؟
- بابا نباید بکوبین. نگاه کنین اینجا چقدر محکمه ستون‌هاش. این حالا حالاها پا برجاست.
- خانم کتابون: بله، بیشتر خونه‌ها تو اروپا ۳۰۰-۲۰۰ سال عمر داره منتها مرتب بازسازی میشه...
- دایی بابا: چه بهتر بتونیم یه خونه قدیمی رو نجات بدیم. نذاریم از این خونه‌های بدترکیب بسازند... اینجا مشکل فقط سقفش نیست. تمام این خونه باید یه سروسامونی بگیره.

- آقا نجیب: آخه اینطوری خرجش خیلی زیاد میشه. - دایی بابا: حالا تو نگران خرجش نباش. مهمون ما هستی. فرض کن این عیدی خانواده شماست (جدول ۳).

جدول ۳. تحلیل روایت صحنه حاصل از فعالیت جمعی ساکنان خانه بر اساس نشانه‌شناسی رولان بارت

صحنه منتخب: مرمت خانه نیمه‌ویران با همکاری گروه سالمندان (هم‌سفران)

رمزگان هرمنوتیک	رمزگان ضمنی	رمزگان نمادین	رمزگان کنشی	رمزگان ارجاعی
مؤلفه‌های کالبدی - معنایی خانه‌های سنتی قابلیت استفاده و ادراک به‌عنوان «خانه» در شرایط امروز را دارد؟	وجود صمیمیت در روابط همسایگی و احساس مسئولیت نسبت به هم در میان شهروندان معانی هویت‌بخش و ایجاد حس تعلق به مکان زندگی در انسان‌هاست.	حفظ سنت‌ها/عدم حفظ سنت‌ها مشارکت در حفظ نمادها و نشانه‌های خاطره‌ساز و به‌تبع آن احساس هویت در فضاهای متعلق به فرهنگ خود باعث تقویت بنیان حس بودن در انسان می‌شود.	خانه‌های سنتی ایرانی با داشتن حیاط مرکزی، هندسه متقارن، تناسبات ویژه در نما و ابعاد فضاها با تأمین نیازهای مادی ساکنین از جمله ارتباط با طبیعت و ساحت‌های دیگری از هستی آن‌ها از جمله خیال‌انگیزی و خاطره‌سازی آسایش توأم با آرامش را فراهم می‌سازد.	ساختارهای جدیدی شهری به دلیل عدم توجه کافی به مؤلفه‌ها و نشانه‌های معنا‌ساز در ایجاد حس تعلق در فرهنگ ایرانی، باعث کم‌رنگ شدن روابط عاطفی میان همسایگان شده است.

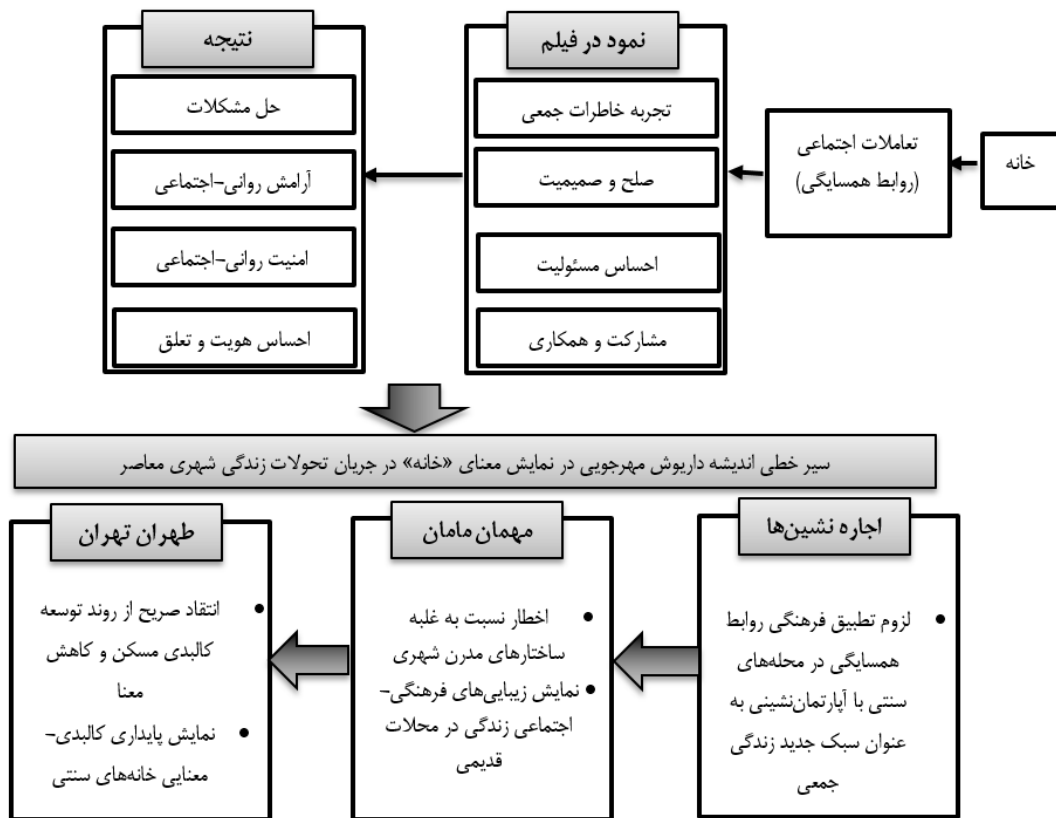
۶. بحث و نتیجه‌گیری

تأثیرگذار در شکل‌دهی تعاملات اجتماعی ساکنین نمایش داده شده است. معانی ضمنی و نمادین موجود در آثار دال بر این نکته است که روابط صمیمانه همسایگی مهم‌ترین عامل ایجاد روح مکان به‌ویژه احساس هویت‌مندی، نشاط و امنیت روانی - اجتماعی در ساکنان است. بر اساس رمزگان کنشی و ارجاعی نیز کالبد خانه‌های سنتی و ساختارهای سنتی محلات در مقایسه با ساختارهای مدرن شهری به دلیل نظام فرهنگی - فضایی خود قابلیت‌های بیشتری برای بروز روابط انسانی - عاطفی در میان همسایگان فراهم می‌کند (شکل ۳). نظر به اینکه یکی از چالش‌های مدیریت شهری امروز کشور کاهش سطح تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری است، بررسی سیر خطی اندیشه داریوش مهرجویی در معنابخشی به «خانه» نشان می‌دهد هرچه ساختارهای شهری به سمت مدرن‌تر شدن و پرنرنگ‌تر شدن مفهوم «مسکن» نسبت «خانه» می‌رود تأکید مهرجویی بر نمایش سنت‌ها از طریق نشانه‌ها و معانی صریح و ضمنی و تأثیر آن بر روابط انسانی و معنابخشی به مکان زندگی بیشتر می‌شود. در «اجاره‌نشین‌ها» فیلم‌ساز با نمایش امر گریزناپذیر توسعه شهری، بر لزوم تطبیق آیین‌ها و رسوم سنتی در میان همسایگان مجتمع‌های آپارتمانی به‌عنوان گونه نسبتاً جدید خانه در ایران تأکید می‌کند. در «مهمان مامان» با اشاره ضمنی و اخطار نسبت به افزایش و غلبه ساختارهای مدرن

در معناشناسی «خانه»، انسان به طور ذاتی موجودی اجتماعی است و بخشی از معنای وجودی خود را از تعاملات اجتماعی خود به دست می‌آورد. روابط همسایگی از مهم‌ترین انواع تعاملات اجتماعی است که کم‌وکیف آن نقش عمده‌ای در روح (معنابخشی) و احساس تعلق (دلبستگی) به مکان در انسان ایجاد می‌کند و دارای ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است. در این پژوهش به تحلیل نقش تعاملات اجتماعی، در تعریف «خانه» در روایت‌های سینمایی داریوش مهرجویی به روش نشانه‌شناسی رولان بارت پرداخته شد. در هر سه فیلم «اجاره‌نشین‌ها»، «مهمان مامان» و «طهران تهران» خانه موجودیتی صرفاً کالبدی به‌عنوان سرپناه نیست، بلکه مؤلفه‌های کیفی زندگی بر درک و پذیرش کالبد ساختمانی به‌عنوان خانه بسیار تأثیرگذار است و روابط همسایگی، شاخص‌ترین مؤلفه در ایجاد روح مکان در خانه و احساس هویت فردی و اجتماعی در معنابخشی به «خانه» است. زیرا خانه به‌عنوان بستری برای تحقق زندگی انسان با خاطرات، احساسات و اندیشه‌های انسان که در جریان زندگی حادث می‌شوند معنا می‌یابد. در تحلیل نشانه‌شناسی لایه‌های معانی به روش رولان بارت در آثار مذکور، بر اساس رمزگان هرمنوتیکی، نشانه - معناها و ویژگی‌های مادی (فیزیکی - کالبدی) مکان زندگی به‌عنوان عاملی مهم و

تعامل سازنده با مکان زندگی و توسعه پایدار شهری تأکید می‌شود (شکل ۳)؛ لذا با بررسی مفاهیم، نشانه‌ها و دلالت‌های معنایی در میزاسن و صحنه‌آرایی آثار سینمایی می‌توان به مطالعه، آسیب‌شناسی و نظریه‌پردازی درباره تأثیر معماری معاصر بر جامعه رسید، نظریه‌هایی که هویت ایرانی - اسلامی جامعه را بازتعریف کنند و راهبرد آینده برای تغییرات مطلوب جهت دستیابی به آن باشند.

شهری، زیبایی‌های فرهنگی - اجتماعی زندگی در محلات سنتی از طریق نمایش معانی و مفاهیم قابل حس توسط مخاطب یادآوری می‌شود و در فیلم «طهران تهران» با انتقاد صریح از روند ساخت مسکن مدرن که باعث کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی و احساس غریبگی میان شهروندان می‌شود، بر لزوم بازاندیشی در معماری و شهرسازی معاصر با حفظ الگوها و نشانه‌های ساختارهای سنتی به دلیل برخورداری از قابلیت پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی افراد جهت داشتن



شکل ۳. نقش تعاملات اجتماعی در معنابخشی به خانه در آثار داریوش مهرجویی

پی‌نوشت

۱. داریوش مهرجویی (زاده ۱۷ آذر ۱۳۱۸ - درگذشته ۲۲ مهر ۱۴۰۲) کارگردان معاصر ایرانی. در فیلم‌های مورد مطالعه این پژوهش، وی علاوه بر کارگردان نویسنده فیلمنامه‌ها نیز بوده است.
۲. اجاره‌نشین‌ها (۱۳۶۵)، به تهیه‌کنندگی هارون یشایائی و محمدعلی سلطان‌زاده.
۳. مهمان مامان (۱۳۸۳)، به تهیه‌کنندگی داریوش مهرجویی.
۴. تهران تهران (۱۳۸۸)، به تهیه‌کنندگی محمدعلی حسین‌نژاد.
۵. داریوش شایگان (زاده ۴ بهمن ۱۳۱۳ - درگذشته ۲ فروردین ۱۳۹۷) فیلسوف، هندشناس، نویسنده و شاعر ایرانی بود.
۶. لوسین گلدمن (زاده ۲۰ ژوئیه ۱۹۱۳، درگذشته ۸ اکتبر ۱۹۷۰) پژوهشگر رومانیایی در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات بود.
۷. استوارت هال (زاده ۳ فوریه ۱۹۳۲ - درگذشته ۱۰ فوریه ۲۰۱۴) جامعه‌شناس، نظریه‌پرداز فرهنگی و فعال سیاسی مارکسیست بود.

۸. کلود لوی استروس (زاده ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸ - درگذشته ۳۰ اکتبر ۲۰۰۹) قوم‌شناس و انسان‌شناس فرانسوی و از نظریه‌پردازان انسان‌شناسی مدرن بود.
۹. پل میشل فوکو (زاده ۱۵ اکتبر ۱۹۲۶ - درگذشته ۲۴ ژوئن ۱۹۸۴) فیلسوف، روان‌شناس، تاریخ‌دان، باستان‌شناس اندیشه، متفکر و جامعه‌شناس فرانسوی بود.
۱۰. ژاک ماری امیل لاکان (زاده ۱۳ آوریل ۱۹۰۱ - درگذشته ۹ سپتامبر ۱۹۸۱) روان‌پزشک و روان‌کاو برجسته فرانسوی بود.
۱۱. از یونانی باستان، به تمام زبان‌های اروپایی و بسیاری زبان‌های دیگر راه‌یافته است. معادل فارسی آن «هواسیپهر» است. در معماری ادراک اتمسفری به‌عنوان یک راهکار مناسب از هم‌زیستی عاطفی انسان در تعامل با مکان، نوعی گفتمان پدیدارشناسانه است.
۱۲. کوین اندرو لینچ (زاده ۱۹۱۸ - درگذشته ۱۹۸۴)، یک شهرساز و نویسنده آمریکایی بود.

تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی برای اعلام ندارند.

منابع

- اجلالی، پرویز و گوهری‌پور، حامد (۱۳۹۴). تصویرهای شهر در فیلم‌های سینمایی ایرانی: ۱۳۹۰-۱۳۰۹، فصلنامه علوم اجتماعی، (۶۸)، ۲۲، ۲۷۸-۲۲۹.
- ادریسی، افسانه و رحمانی خلیلی، احسان و حسینی امین، سیده نرگس (۱۳۹۱)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: استادان، کارکنان و دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال). تغییرات اجتماعی - فرهنگی، (۲) ۹.
- ارمغان، مریم (۱۳۹۴)، زندگی روزمره تهران در فیلم‌های سینمایی، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۵، ۷۳ - ۵.
- براتی، ناصر (۱۳۸۲)، بازشناسی مفهوم خانه در فرهنگ ایرانی، فصلنامه فرهنگستان هنر، شماره ۸، ۵۵-۲۴.
- بشیر، حسن و اسکندری، علی (۱۳۹۲)، بازنمایی خانواده ایرانی در فیلم سینمایی «په جبه قند»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، (۲)، ۱۴۳-۱۶۱.
- بهزادفر، مصطفی، و طهماسبی، ارسلان. (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج. باغ نظر، (۲۵)، ۱۰، ۱۷-۲۸.
- بیات، یاسر و شیخ مهدی، علی (۱۳۹۶)، جستاری بر هستی‌شناسی مفهوم نمادین خانه در فیلم های داریوش مهرجویی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه هنر، شماره ۱۵، ۵۴-۴۱.
- بیاد، زهره و محمدی، سید بیوک و موید حکمت، ناهید (۱۳۹۸)، شناسایی و مقایسه مسائل اجتماعی ایران از منظر فیلم‌های مستند (در دو دهه قبل و بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۴۰-۱۳۸۰)، نشریه رسانه و فرهنگ، سال نهم، شماره ۱، ۶۴-۴۳.
- پاشایی، محمدرضا و کجانی حصاری، حجت (۱۳۹۸)، تحلیل روایی نمایشنامه «ایرانیان» اثر آیسخیلوس بر مبنای دیدگاه ساختاری رولان بارت. زبان پژوهی، (۳۳)، ۱۱، ۸۳-۱۰۴.
- پرتوی، پروین (۱۳۸۷)، پدیدارشناسی مکان، چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
- پیروای ونک، مرضیه (۱۳۹۸)، پدیدارشناسی، «راه» تفکر و تحقیق، پژوهش‌های فلسفی، شماره ۲۹، ۱۴۴-۱۲۷.
- تبریزی، منصوره (۱۳۹۳)، تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶، ۱۳۸-۱۰۵.
- تقی‌پور، ملیحه و سلطان‌زاده، حسین (۱۳۹۵)، نقش سازمان‌دهی محیط در تعامل اجتماعی ساکنان مجموعه های مسکونی شیراز (مجتمع‌های امیرکبیر، جنت، ابریشم، مطهری)، برنامه ریزی فضایی، سال ششم، شماره ۱، ۱۰۲-۷۹.

- حمزه نژاد، مهدی و دشتی، مینا (۱۳۹۵)، بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. فصلنامه علمی - پژوهشی نقش جهان، (۲)، ۶.
- خطیبی، اعظم (۱۳۹۶)، تبیین جامعه شناختی تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی شهروندان در شهر همدان، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، ۱۳۴-۱۰۷.
- دانایی‌فرد، حسن و مظفری، زینب (۱۳۸۷)، ارتقای روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تاملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت، سال اول، شماره اول، ۱۶۲-۱۳۱.
- دانش‌پور، سید عبد الهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶)، فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، باغ نظر، (۷)، ۴، ۲۸-۱۹.
- دوباتن، آلن (۱۳۸۸)، معماری شادمانی، ترجمه پروین آقایی، تهران: انتشارات ملائک.
- ربیعی نژاد، تحسین و ارغان، عباس (۱۳۹۶)، نقش سرا محله‌ها بر افزایش حس تعلق به محله، اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی.
- رستگار خالد، امیر و سلمانی بیدگلی، مسعود و آران دشتی، سمیه (۱۳۹۳)، بررسی رابطه ی سرمایه‌های اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل)، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال چهارم، شماره یازدهم، ۱۲۶-۹۱.
- زراعتی، ناصر (۱۳۷۵)، مجموعه مقالات در معرفی و نقد آثار داریوش مهرجویی، انتشارات ناهید.
- سرخوش، سوسن و مرادی، زهرا (۱۳۸۸) تحلیل محتوای اجتماعی آثار مسعود کیمیایی و داریوش مهرجویی، فصلنامه پژوهش اجتماعی، (۲)، ۲، ۱۶۳-۱۳۵.
- شاهچراغی، آزاده و بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۴)، محاط در محیط: کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی، جهاد دانشگاهی (واحد تهران).
- شرقی، علی و مهدی نژاد، جمال‌الدین و ندومی، راجیل (۱۳۹۸). حس تعلق به مکان و مطالعه تطبیقی آن در مکان‌های واقعی و مجازی. مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ (رسانه و فرهنگ)، (۱)، ۹، ۱۷۷-۱۵۷.
- شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۶)، رابطه نشانه‌شناسی با پدیدارشناسی با نمونه‌ای تحلیلی از گفت‌وگو ادبی - هنری، ادب‌پژوهی، شماره سوم، ۸۱-۶۱.
- شکیبایی فر، شهلا (۱۳۹۷)، نقد راوانشناختی سبک زندگی حضرت مریم (س) با رویکردی به نظریه پنج‌گانه رولان بارت، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۹، ۲۱۰-۲۰۱.
- شیرازی، محمدرضا (۱۳۹۲)، جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط، فصلنامه معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۱۱، ۹۹-۹۱.
- صمدیاری، کاظم و جعفری، مریم و ناصری، الناز (۱۳۹۶)، بررسی پدیدارشناسانه خانه ایرانی - اسلامی، اولین همایش ملی خانه ایرانی، گنبدکاووس.
- عابدی، محمدحسین و عباسی، سیده فاطمه (۱۳۹۸)، تأثیر سینما و معماری و هویت در حس تعلق مکانی، فصلنامه پژوهش‌های مرمت و معماری ایرانی و اسلامی، (۴)، ۲، ۳۱-۲۳.
- عبداللهیان، حمید و حسینی، حسین (۱۳۸۸)، کاربرد رویکرد رولان بارت برای تحلیل نشانه شناختی بازنمایی گفت‌وگو «ایرانی - اسلامی» در آگهی‌های تجاری تلویزیونی در ایران، نشریه علوم اجتماعی، شماره چهل‌وهفت، ۱۵۹-۱۲۵.

- فلاحت، محمدصادق و کمالی، لیلا و شهیدی، صمد (۱۳۹۶)، نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری، باغ نظر، (۴۶) ۱۴، ۲۲-۱۵.
- قره شیخلو، علیرضا و وفایی، مهدی، ۱۳۸۵، داریوش مهرجویی، نقد آثار: از بانو تا مهمان مامان، تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول.
- کشفی، محمدحسین و جواهرپور، حسام و کشفی، محمدعلی (۱۳۹۳)، بررسی مبانی فلسفی «سکنا گزینی» از دیدگاه پدیدارشناسی، باتکیه بر ارزش‌های اسلامی، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، (۲) ۱۴، ۸۰-۵۵.
- لنگ، جان (۱۳۸۳)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران: دانشگاه تهران.
- محرابی، مهدی و مختاباد امرئی، سید مصطفی و قدوسی فر، سید هادی (۱۴۰۲)، خوانش نشانه‌شناسانه فیلم‌های «آشوب» و «داستان توکیو» با تأکید بر ابعاد معماری، فصلنامه علمی رسانه‌های دیداری و شنیداری (۴۶) ۱۷، ۵۸-۳۱.
- مصطفی‌پور، احسان و حقیقتیان، منصور و محمدی و اصغر (۱۳۹۷)، تبیین جامعه‌شناختی میزان سرمایه اجتماعی محله‌های شهر تهران، مطالعات جامعه‌شناسی، سال دهم، شماره سی و هشتم، ۲۰-۷.
- مطلق خوشکلام، مسعود، ۱۳۹۹، تأثیرپذیری ابعاد و مفهوم حس مکان از ادراکات ذهنی در محیط‌های مسکونی، دومین کنفرانس علمی پژوهشی شهرسازی، عمران، معماری و محیط‌زیست موناکو.
- مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۳)، دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه.
- میراحسان، احمد (۱۳۸۳)، خرد و ناخرد در سینمای مهرجویی، خردنامه همشهری، شماره ۲۸، ۱۵-۱۴.
- میرزاعلی محمد و رزمی، حمیدرضا (۱۳۹۵)، کنکاشی پیرامون المان‌های شهری با رویکرد معماری ایرانی - اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، (۲) ۱، ۱۹۷-۱۷۳.
- نوابخش، مهرداد (۱۳۹۲)، ضرورت احیاء سرمایه اجتماعی در توسعه فضاهای شهری، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، (۴) ۵، ۱۷-۷.
- نوربرگ شولتز، کریستین (۱۳۸۹)، مفهوم سکونت به‌سوی معماری تمثیلی، ترجمه محمود یاراحمدی، نشر آگه، تهران: چاپ چهارم.
- نوروزیان ملکی، سعید و امید، ندا (۱۳۹۹)، ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی-اجتماعی بر حس مکان در فضاهای باز مجتمع مسکونی، هویت شهر، شماره چهل و یکم، سال چهاردهم، ۹۸-۸۷.
- Abdollahian, H. & Hosni, H. (2018), Application of Roland Barthes' Approach to Semiotic Analysis of the Representation of "Iranian-Islamic" Discourse in Television Commercials in Iran, Journal of Social Sciences, No. 47, 125-159(In Persian).
- Abedi, M. & Abbasi, F. (2018), the Effect of Cinema and Architecture and Identity on the Sense of Place, journal of Iranian and Islamic Restoration and Architecture Research, (4) 2, 23-31(In Persian).
- Ajjlali, P. & Goharipour, H. (2014). Images of the city in Iranian movies: 1309-1390, journal of Social Sciences, 22 (68), 278-229(In Persian).
- Allen, G. (2007). Roland Barthes. translated by Payam Yazdanju, Tehran: Markaz (In Persian).
- Armaghan, M. (2014), Tehran's daily life in movies, Iranian Anthropological Researches, Volume 5, 5-73(In Persian).

- Bachelard, G. (1994), *The poetics of space*; translated from the French by Maria Jolas, with a new foreword by John R. Stilgoe.
- Barati, N. (2012), Recognizing the concept of home in Iranian culture, *journal of Farhangestan e Honar*, No. 8, 24-55(In Persian).
- Bashir, H. & Eskandari, A. (2012), Representation of the Iranian family in the movie "Ye Habe Qand", *journal of Iranian Cultural Research*, 6(2), 143-161(In Persian).
- Bayad, Z. Mohammadi, b. & Movid Hekmat, N. (2018), Identification and comparison of social issues in Iran from the perspective of documentary films (in the two decades before and after the Islamic revolution of 1380-1340), *journal of Media and Culture*, 9(1), 43-64(In Persian).
- Bayat, Y. & Sheikh Mehdi, A. (2016), A Research on the Ontology of the Symbolic Concept of Home in Dariush Mehrjoui' films, *journal of University of Arts*, No. 15, 41-54(In Persian).
- Behzadfar, M. & Tahmasabi, A. (2012), Identifying and Evaluating the Factors Affecting Social Interactions, Strengthening and Developing Citizen Relations in Urban Streets. Case Study: Sanandaj. *Bagh Nazar*, (25)10, 17-28(In Persian).
- Danaei Fard, H. & Mozafari, Z. (2017), Enhancing Validity and Reliability in Qualitative Management Research: A Reflection on Research Audit Strategies, *journal of Management Researches*, 1(1), 131-162(In Persian).
- Dubatan, A. (2009), *Happiness Architecture*, translated by Parvin Aghaei, Tehran: Malaek Publications (In Persian).
- Falahat, M. Kamali, L. & Shahidi, S. (2016), The Role of Sense of Place Concept in Improving the Quality of Architectural Preservation, *Bagh Nazar*, (46) 14, 15-22(In Persian).
- Goharipour, H. (2019), Narratives of a Lost Space: A Semiotic Analysis of Central Courtyards in Iranian Cinema, *Frontiers of Architectural Research* 8, 164-174.
- Hamzeh Nejad, M. & Dashti, M. (2015), A Survey of Traditional Iranian Houses from the Perspective of Phenomenologists and Spiritual Traditionalists, *Naqsh Jahan*, 6(2) (In Persian).
- Idrisi, A. Rahmani Khalili, E. & Hosseini Amin, N. (2013), Social Trust and Factors Affecting It (Case Study: Professors, Staff and Students of Islamic Azad University, North Tehran branch). *Socio-cultural changes*, 9(2) (in persian).
- Kashfi, M. Javaherpour, H. & Kashfi, M. (2013), Examining the Philosophical Foundations of "Settlement" from the Perspective of Phenomenology, Relying on Islamic values, *Shiraz University Religious Thought*, (2) 14, 55-80(In Persian).
- Khatibi, A. (2016), Sociological Explanation of Neighborhood Interactions and its Effect on Citizens' Sense of Social Vitality in Hamedan city, *Urban Sociological Studies*, 7(27), 107-134(In Persian).
- Lang, J. (2004), *Creation of Architectural Theory: The Role of Behavioral Sciences in Environmental Design*, translated by Alireza Einifar, Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Makarik, I. (2013), *Encyclopaedia of Contemporary Literary Theories*, translated by Mehran Mohajer & Mohammad Naboi. Tehran: Aghah (In Persian).

- Mehrabi, M. Mokhtabad Amrei, M. & Qudousi Far, H. (2023), Semiotic Reading of the Films "Chaos" and "Tokyo Story" with an Emphasis on Architectural Dimensions, Scientific Quarterly of Visual and Audio Media (46) 17, 58- 31(In Persian).
- Mir Ehsan, A. (2013), Wisdom in Mehrjoui's Cinema, Khardnameh Hamshahri, No. 28, 14-15(In Persian).
- Mirza Ali, M. & Razmi, H. (2015), Exploration of Urban Elements with Iranian-Islamic Architectural Approach, Geographical Sciences, journal of Architecture and Urbanism Research, 1(2), 173-197(In Persian).
- Mostafapour, E. Hekhratian, M. & Mohammadi, A. (2017), Sociological Explanation of the Amount of Social Capital in the Neighborhoods of Tehran, Sociological Studies, 10(38), 7-20(In Persian).
- Mutlaq Khoshkalam, M. (2019), Influence of Dimensions and Sense of Place on Subjective Perceptions in Residential Environments, the second scientific research conference on urban planning, civil engineering, architecture and environment in Monaco (In Persian).
- Navabakhsh, M. (2012), Necessity of Revitalizing Social Capital in the Development of Urban Spaces, Journal of Iranian Social Development Studies, 5(4), 7-17(In Persian).
- Norberg Schultz, Ch. (2010), The Concept of Dwelling Towards Allegorical Architecture, translated by Mahmoud Yar Ahmadi, Agah Publishing, Tehran: 4th edition (In Persian).
- Norouzian Maleki, S. & Omid, N. (2019), Evaluation of the Impact of Physical-social Components on the Sense of Place in Open Spaces of Residential Complex, Hovviat e Shahr, 14(41), 87-98(In Persian).
- Pallasmaa, J. (2005), The eyes of the skin, Architecture and the senses; London, Academy Edition: 8-6.
- Partovi, P. (2007), Phenomenology of Place, edition 1, Tehran: Farhangesta e Honar (In Persian).
- Pashaei, M. & Kojani Hesari, H. (2018), Narrative Analysis of the play "Iranians" by Aeschylus based on Roland Barthes' structural perspective. Linguistics, (33)11, 83-104(In Persian).
- Pennartz, Paul J. J. (2006). The Experience of Atmosphere, in: "At Home: An Anthropology of Domestic Space", New York, Syracuse University press.
- Pirovai Venk, M. (2018), Phenomenology, "The Way" of Thinking and Research, Philosophical Researches, No. 29, 127-144(In Persian).
- Qara Sheikho, A. & Vafaei, M. (2015), Dariush Mehrjooi, Review of Films: From Banoo to Mehman e Maman, Tehran: Hermes Publications, edition1 (In Persian).
- Rabieinejad, T. & Arghan, A. (2016), Role of Neighborhood Leaders on Increasing the Sense of Belonging to the Neighborhood, the first international conference and the third national conference on management and humanities research (In Persian).
- Rastgar Khaled, A. Salmani Bidgoli, M. & Aran Dashti, S. (2013), Investigating the Relationship Between Neighborhood Social Capital and the Sense of Neighborhood Security (Case Study: Aran and Bidgol cities), Urban Sociological Studies, year IV, No. 11, 91-126(In Persian).

- Samadiari, K. Jafari, M. & Naseri, E. (2016), Phenomenological Study of the Iranian-Islamic House, the first national conference of the Iranian house, Gonbad e Kavos(Kavos Dome) (In Persian).
- Sarkhosh, S. & Moradi, Z. (2008) Analysis of the Social Content of Masoud Kimiaei and Dariush Mehrjoui' s Films, journal of Social Research, (2) 2, 135-163(In Persian).
- Shahcheraghi, A. & Bandarabad, A. (2014), Surrounded by the Environment: The Application of Environmental Psychology in Architecture and Urban Planning, Academic Jihad, Tehran Branch (In Persian).
- Shakibaeifar, Sh. (2017), Psychological Criticism of the Life style of Maryam (PBUH) with an Approach to Roland Barthes's fivefold theory, Sociology of Education, No. 9, 210-201(In Persian).
- Sharqi, A. Mahdinejad, J. & Nadomi, R. (2018). The Sense of Belonging to a Place and its Comparative Study in Real and Virtual Places. Interdisciplinary Studies in Media and Culture (Media and Culture), (1) 9, 157-177(In Persian).
- Shirazi, M. (2012), The Position of Phenomenology in the Analysis of Architecture and Environment, journal of Armanshahr Architecture and Urbanism, No. 11, 99-91(In Persian).
- Shoa'iri, H. (2016), The Relationship Between Semiotics and Phenomenology with an Analytical Example of Literary-Artistic Discourse, Adab pazohi, No.3, 61-81(In Persian).
- Tabrizi, M. (2013), Qualitative Content Analysis from the Perspective of Analogical and Inductive Approaches, journal of Social Sciences, No. 6, 105-138(In Persian).
- Taqipour, M. & Sultanzadeh, H. (2015), The Role of Environmental organization in the Social Interaction of Residents of Residential Complexes in Shiraz (Amirkabir, Jannet, Abrisham, Motahari complexes), Spatial Planning, 6(1), 79-102(In Persian).
- Zerati, N. (1996), A Collection of Articles Introducing and Criticizing Dariush Mehrjooi' s Films, Nahid Publications (In Persian).

Rereading the Changing Level of Social Interactions in Giving Meaning to "Home" in Iranian Cinema Case Study: Dariush Mehrjoui's Films in the 60s-80s

Parna Kazemian*¹

(Receive Date: 03 October 2023 Revise Date: 09 May 2024 Accept Date: 09 June 2024)

Research Article

Abstract

Introduction: In aspect of psychology, man is a social being and by making home, he objectifies his existence. Therefore, in addition to its physical and climatic dimensions, the home is influenced by many cultural and social components. The purpose of this research is to review the impact of the changing level of social interactions in giving meaning to "home" and creating a sense of belonging to it in Dariush Mehrjoui's films, who represents the lived life of the people of the society in his films.

Methodology: In this research, "Ejare neshinha", "Mehman e Maman" and "Tehran Tehran" which have collective protagonists with different attitudes towards "home" have been analyzed by Roland Barthes semiotics. Therefore, as a first step the totality of the narratives has been described from the view of the effect of social interactions in meaning "home" in the lives of the characters of the narratives by using library studies on the semantics of home in the field of phenomenology and observation tools. Then, the scene which is the result of the collective activity of the residents and has an important role in unraveling the problems raised in the narrative, has been selected as the unit of analysis in all of them. And the five concepts of hermeneutic, semantic, symbolic, action, referential codes in the above semiotics have been analyzed based on the confirmation strategy of three research colleagues in the field of sociology.

Results: The results show that neighborhood relations are the most important factor in creating the spirit of a place in the studied films. Also, in the semiotic analysis of layers of meaning based on hermeneutic codes, the body and material (physical) characteristics of the living place are shown as an important and influential factor in shaping the social interactions of the residents. The implicit and symbolic meanings found in the films indicate that intimate neighborly relations are the most important factors in creating the spirit of a place, especially the sense of identity, vitality and psycho-social security in residents. According to action and referential codes, the traditional houses and the traditional structure of the neighborhoods provide more capabilities for the emergence of human-emotional relationships among neighbors compared to modern urban structures due to their cultural-spatial system.

Conclusion: The linear analysis of Dariush Mehrjoui's thought in giving meaning to "home" shows that as urban structures became more modern and the concept of "house" becomes more prominent than "home" which causes social relations between citizens to fade, the display of traditions through explicit and implicit signs and their impact on Human relationships and giving meaning to the place of life is more emphasized in his films. Therefore, by examining the concepts, signs and semantic implications in the mise-en-scène and stage design of cinematic movies, it is possible to study, analyze and theorize about the impact of contemporary architecture on the society. These theories can redefine the Iranian-Islamic identity of the society, and provide the possibility of constructive human interaction with the place of life in order to achieve sustainable urban development.

Conflict of interest: None declared.

Keywords: Home, social interactions, neighborhood relations, spirit of place, Dariush Mehrjoui

¹ Department of Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author). Parna.kazemian@gmail.com